

ابوحمره ثمالی دعای انسان ساز و بیچاره هر آن کس که نخواندش

در کتاب «مصباح» شیخ طوسی به نقل از ابوحمره ثمالی آمده است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در ماه رمضان بیشتر شب را به نماز می ایستاد و چون سحر می رسید این دعا را میخواند:

متن دعای ابوحمره ثمالی به صورت جدا شده با ویرگول و فزاربندی شده برای سادگی خواندن

۱- إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ، وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ، مِنْ أَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يَا رَبِّ
وَلَا يُوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ، وَمِنْ أَيْنَ لِيَ النَّجَاءُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ، لَا الَّذِي أَحْسَنَ
اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ
عَنْ قُدْرَتِكَ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ...

خدایا مرا به کيفرت ادب منما، و با نقشه ای با من نیرنگ مکن، پروردگارا از کجا برایم خیری هست، درحالی که جز نزد تو یافت نمی شود، و از کجا برایم نجاتی است، درحالی که جز به تو فراهم نمی گردد، نه آن که نیکی کرد از کمک و رحمت بی نیاز شد، و نه آن که بدی کرد و بر تو گستاخی روا داشت، و تو را خشنود نساخت از عرصه قدرتت بیرون رفت، پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا... (و آنقدر بگو یا رب تا نفس داخل سینه ات تمام شود)

۲- بِكَ عَرَفْتُكَ، وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ، وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ، وَلَوْ لَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي، وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي، وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أُنَادِيهِ
كَلَّمًا شِئْتُ لِحَاجَتِي، وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ، فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي،

تو را به تو شناختم، و تو مرا بر هستی خود راهنمایی فرمودی، و به سوی خود خواندی، و اگر راهنمایی تو نبود، من نمی دانستم تو که هستی، سپاس خدای را که می خوانمش و او جوابم را می دهد، گرچه سستی می کنم هرگاه که او مرا می خواند، و سپاس خدای را که از او درخواست می کنم و او به من عطا می نماید، گرچه بخل می ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد، و سپاس خدای را که هرگاه که خواهم برای رفع حاجتم صدایش کنم، و هرجا که خواهم برای رازونیز با او بی پرده خلوت کنم، و او حاجتم را برآورد، سپاس خدای را که غیر او را نمی خوانم، که اگر غیر او را می خواندم دعایم را مستجاب نمی کرد،

۳- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ، وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَّنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي، وَ لَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهِنُونِي، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي، فَ رَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَ أَحَقُّ بِحَمْدِي.

و سپاس خدای را که به غیر او امید نبندم، که اگر جز به او امید می بستم ناامیدم می نمود، و سپاس خدای را که مرا بخویش و گذاشت، از این رو اکرامم نمود، و به مردم و نگذاشت تا مرا خوار کنند، و سپاس خدای را که با من دوستی ورزید، درحالی که از من بی نیاز است، و سپاس خدای را که بر من بردباری می کند تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست! پروردگارم ستوده ترین موجود نزد من بوده و به ستایش من سزاوارتر است.

۴- اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً، وَ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ [لَدَيْكَ] مُتْرَعَةً، وَ الْاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمْلَكَ مَبَاحَةً، وَ أَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً، وَ أَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِينَ [لِلرَّاجِي] بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ، وَ لِلْمَلْهُوفِينَ [لِلْمَلْهُوفِ] بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ، وَ أَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَ الرِّضَا بِقَضَائِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَ مَنَدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَثَارِينَ، وَ أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ، وَ أَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ [الْأَمَالُ] دُونَكَ،

خدایا راههای درخواست حاجت‌هایم را به جانب تو باز می یابم، و آبشخورهای امید را نزد تو پر می بینم، و یاری خواستن از فضل‌ت برای آن که تو را آرزو کرد بی مانع می بینم، و درهای دعا را برای فریاد کنندگان گشوده می نگرم، و می دانم که تو برای امیدواران در جایگاه اجابتی، و برای دل سوختگان در کمین گاه فریادرسی، و به یقین در اشتیاق به جودت، و خشنودی به قضایت جایگزینی از منع بخیلان است و گشایشی از آنچه در دست ثروت اندوزان، و همانا مسافر به سوی تو مسافتش نزدیک است، و تو از آفریدگانت هرگز در پرده نیستی، جز اینکه کردارشان آنان را از تو محجوب نماید،

۵- وَ قَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي، وَ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، وَ جَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي، وَ بِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي، وَ لَا اسْتِيجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي، بَلْ لِيُثَقِّتِي بِكَرَمِكَ، وَ سُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ، وَ لَجَأِي إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ، وَ

يَقِينِي [وَأَثَقْتَنِي] بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ، وَلَا إِلَهَ [إِلَّا] أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

من با درخواستم آهنگ تو کردم، و با حاجتم روی به تو آوردم، نیاز خواهی ام را به پیشگاه تو قرار دادم، و خواندنت را دست آویز خویش نمودم بی آنکه مستحق شنیدن خواهشم، و شایسته گذشت از من باشی، بلکه برای اطمینان به کرم، و آرامش به درستی وعده ات، و پناه جستن به ایمان به یگانگی ات و یقین به معرفت که مرا پروردگاری جز تو نیست، و معبودی جز تو نیست، یگانه و بی شریکی.

۶- اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَوَعْدُكَ صِدْقٌ [الصَّدَقُ] وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا، وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ، وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ، وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحْنِنِ رَأْفَتِكَ [بِحُسْنِ نِعْمَتِكَ].

خدایا تو گفتی و گفتارت بر حق، و وعده ات درست است [افرمودی]: از فضل خدا بخواهید که خدا به شما مهربان است، ای آقای من، در شأن تو این نیست که دستور به درخواست دهی و از بخشش خودداری کنی، تو با عطاهايت بر اهل مملکت بسیار کریمی، و بر آنان با محبت و رأفت، بسیار احسان کننده ای.

۷- إِلَهِي رَبِّيْتَنِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا، وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا، فَيَا مَنْ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ [بِفَضْلِهِ] وَنِعْمِهِ، وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ، مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي [أَدَلَّتْنِي] عَلَيْكَ، وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ، وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ، وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ،

خدایا مرا در کودکی در میان نعمتها و احسانت پروریدی، و در بزرگسالی نامم را بلند آوازه ساختی، پس ای آن که مرا در دنیا به احسان و فضل نعمتهایش پرورید و برایم در آخرت به گذشت و کرمش اشاره نمود، ای مولای من، معرفتم راهنمایم به سوی تو، و عشقم به تو، واسطه ام به پیشگاه توست، من از دلیلم به دلالت تو مطمئن، و از واسطه ام به شفاعت تو در آرامشم،

۸- أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبِّ أَنَا حَيْكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ، أَدْعُوكَ يَا رَبَّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا، إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ، وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ، فَإِنْ عَفَوْتَ [عَفَرْتُ] فَخَيْرٌ رَاحِمٍ، وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ، حُجَّتِي يَا

اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِيْتَانِي مَا تَكَرَّهُ جُودُكَ وَ كَرَمُكَ، وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قَلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ قَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَ ذَيْنِ مُنِيَّتِي، فَحَقِّقْ رَجَائِي، وَ اسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ، وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ، عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي، وَ سَاءَ عَمَلِي، فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي، وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي، فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاهِ الْمُذْنِبِينَ، وَ حِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَأَةِ الْمُقْصِرِينَ،

ای آقایم، تو را به زبانی می خوانم که گناهش او را ناگویا نموده، و با دلی با تو مناجات می کنم که جرمش او را هلاک ساخته، تو را می خوانم ای پروردگارم در حال هراس و اشتیاق و امید و بیم، مولای من، هرگاه گناهانم را می بینم بی تاب می گردم، و هرگاه کرمت را مشاهده می کنم به طمع می افتم، پس اگر از من درگذری بهترین رحم کننده ای، و اگر عذاب کنی ستم نکرده ای، خدایا حجت من در گستاخی بر درخواست از تو، با ارتکاب آنچه از آن کراهت داری، جود و کرم توست، و ذخیره ام در سختیها با کمی حیا، همانا رأفت و رحمت توست، و امیدم بر آن است که بین حجت و ذخیره ام، آرزویم را نومید نکنی، پس امیدم را تحقق بخش، و دعایم را بشنو، ای بهترین کسی که خواننده ای او را خوانده، و برترین کسی که امیدواری به او امید بسته، ای آقای من آرزویم بزرگ شده، و کردارم زشت گشته، پس به اندازه آرزویم از عفو تو به من ببخش، و به زشت ترین کردارم مرا سرزنش مکن، زیرا کرمت برتر از کیفر گنهکاران، و بردباریت بزرگ تر از مکافات تبهکاران است،

۹- وَ أَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا، وَ مَا أَنَا يَا رَبِّ، وَ مَا خَطَرِي، هَبْنِي بِفَضْلِكَ، وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، أَيُّ رَبِّ جَلَّلَنِي بِسُتْرِكَ، وَ اعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ، فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتُهُ، وَ لَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَاجْتَنَبْتُهُ، لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاظِرِينَ [إِلَى] ، وَ أَخَفُّ الْمُطَّلَعِينَ [عَلَى] ، بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ، وَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، وَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ ،

و من ای آقایم پناهنده به فضل توام، گریزان از تو به سوی توام، خواستار تحقق چیزی هستم که وعده کردی، و آن گذشت تو از کسی که گمانش را به تو نیکو کرده، چه هستم من ای پروردگارم؟ و اهمیت من

چیست؟ به فضل مرا ببخش، و به گذشت بر من صدقه بخش، پروردگارا مرا به پرده پوشی ات بپوشان، و از توبیخم به کرم ذات درگذر، اگر امروز جز تو بر گناهم آگاه می شد، آن را انجام نمی دادم، و اگر از زود رسیدن عقوبت می ترسیدم، از آن دوری می کردم، گناهم نه به این خاطر بود که تو سبک ترین بینندگانی و بی مقدارترین آگاهان، بلکه پروردگارا از این جهت بود که تو بهترین پرده پوش، و حاکم ترین حاکمان، و کریم ترین کریمانی،

۱۰- سَتَّارُ الْغُيُوبِ، غَفَّارُ الذُّنُوبِ، عَلَامُ الْغُيُوبِ، تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ، وَ تُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَ يَحْمِلُنِي وَ يُجَرِّئُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنِّي، وَ يَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ سَتْرُكَ عَلَى، وَ يُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَ عَظِيمِ عَفْوِكَ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا غَافِرَ الذَّنْبِ، يَا قَابِلَ التَّوْبِ،

پپوشنده عیب ها، آمرزنده گناهان، دانای نهانها، گناه را با کرمت می پوشانی، و کیفر را با بردباری ات به تأخیر می افکنی، سپاس تو را سزاست بر بردباری ات پس از آنکه دانستی، و بر گذشتت پس از آنکه توانستی، بردباری ات مرا به جانب گناه می کشد و بر نافرمانی ات جرأت می دهد، پرده پوشی ات بر من مرا به کم حیایی می خواند، و شناختم از رحمت گسترده و بزرگی عفو، به من در تاختن بر محرّمات سرعت می دهد! ای شکیبا، ای گرامی، ای زنده، ای به خود پاینده، ای آمرزگار، ای توبه پذیر،

۱۱- يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ، أَيْنَ سَتْرِكَ الْجَمِيلُ، أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلُ، أَيْنَ فَرَجِكَ الْقَرِيبُ، أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعُ، أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةُ، أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ، أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةُ، أَيْنَ صَنَائِعِكَ السَّنِيَّةُ، أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمُ، أَيْنَ مَنَّكَ الْجَسِيمُ، أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمُ، أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ بِهِ [و بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ] فَاسْتَنْقِذْنِي، وَ بِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ،

ای بزرگ نعمت، ای دیرینه احسان، پرده پوشی زیبایت کجاست، گذشت بزرگت کجاست، گشایش نزدیکت کجاست، فریادرسی زودت کجاست، رحمت گسترده ات کجاست، عطاهای برترت کجاست، موهبت های گوارایت کجاست، جایزه های شایانت کجاست، فضل بزرگت کجاست، عطای عظیمت کجاست، احسان دیرینه ات کجاست، کرمت کجاست، ای کریم، به حق کرمت و «به محمد و خاندان محمد» مرا رهایی بخش، و به رحمت مرا خلاص کن، ای نیکوکار، ای زیباکار،

۱۲- يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النِّجَاءِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا، بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا، لَأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، تُبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا، وَ تَغْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا، فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ، أَمْ جَمِيلَ مَا تَنْشُرُ، أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ، أَمْ عَظِيمَ مَا أُبْلِيَتْ، وَ أُوْلِيَتْ، أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَ عَافَيْتَ، يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ، وَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لَازَبَكَ وَ انْقَطَعَ إِلَيْكَ،

ای نعمت ده، ای فزونی بخش، من آن نیستم که در رهایی از کيفرت بر اعمالمان تکیه کنم، بلکه به احسانت بر ما اعتماد دارم، چرا که تو اهل تقوا و مغفرتی، از باب نعمت دهی ابتدای به احسان می کنی، و از جهت کرم از گناه در می گذری، پس نمی دانم از چه سپاس گویم، از زیبایی که می گسترانی، یا کار زشتی که می پوشانی، یا بزرگ آزمونی که آزمودی و شایسته نیکی نمودی، یا آن همه مشکلی که مرا از آن رهانیدی، و سلامت کامل بخشیدی؟! ای محبوب آن که به تو دوستی ورزید، ای نور چشم کسی که به تو پناه آورد و برای رسیدن به تو از دیگران گسست،

۱۳- أَنْتَ الْمُحْسِنُ، وَ نَحْنُ الْمُسِيئُونَ، فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ، وَ أَيْ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ، أَوْ أَيْ زَمَانٍ أَطُولُ مِنْ أُنَاتِكَ، وَ مَا قَدَرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ، وَ كَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ [كَرَامَتَكَ] ، بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، فَوَ عِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي [انْتَهَرْتَنِي] مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ، وَ لَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ، لِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، وَ أَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ، تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، وَ تَرْحِمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ، وَ لَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ، وَ لَا تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ،

تو نیکوکاری، و ما بدکارانیم، به زیبایی آنچه نزد توست از زشتی آنچه پیش ماست درگذر، پروردگارا کدام جهلی است که جود تو گنجایش آن را نداشته باشد، و کدام زمان طولانی تر از مهلت دادن توست، در کنار نعمتهایت ارزش اعمال ما چیست، چگونه اعمال خود را بسیار انگاریم، تا با آنها با کرمات برابری کنیم، بلکه چگونه بر گنهکاران تنگ شود آنچه از رحمت شاملشان شده؟ ای گسترده آمرزش، ای گشاده دست به رحمت، ای آقای من به عزّت سوگند، اگر مرا برانی از درگاهت دور نخواهم شد، و از چاپلوسی و تملق

نسبت به تو دست نخواهم کشید، به خاطر شناختی که به جود و کرمت پیدا کرده ام، تو انجام دهی آنچه را که خواهی، هر که را بخواهی عذاب می کنی به هر چه که بخواهی و به هر صورتی که بخواهی، و رحم می کنی هر که را بخواهی، به هر چه که بخواهی و به هر کیفیت که بخواهی، از آنچه کنی بازخواست نشوی، و در فرمانروایی ات نزاع در نگیرد، و کسی در کارت شریکت نگردد،

۱۴- وَ لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ، وَ لَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ، لَكَ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، يَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ مَنْ لَا ذَنْبَكَ، وَ اسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ، وَ أَلْفَ إِحْسَانِكَ وَ نِعَمِكَ، وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ، وَ لَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ، وَ لَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ، وَ قَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ، وَ الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَ الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ،

و در داوری ات با تو همآورد نشود، و در تدبیرت احدی بر تو اعتراض نکند، آفرینش و فرمان تو راست، منزّه است خدا پروردگار جهانیان، پروردگارا این است جایگاه کسی که به پناهت آمد، و به کرمت پناهنده گشت، و به احسان و نعمتهایت الفت جست، و تویی آن سخاوتمندی که گذشتت به تنگی نمی رسد، و احسانت کاهش نمی پذیرد، و رحمت کم نمی شود، و به یقین از چشم پوشی دیرینت، و فضل بزرگت، و رحمت گسترده ات اعتماد نمودیم،

۱۵- أَ فَتَرَاكَ [تَرَاكَ] يَا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا، أَوْ تُخَيِّبُ آمَالَنَا، كَلَّا يَا كَرِيمٌ فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ، وَ لَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا، يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا، إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا، عَصَيْنَاكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا، وَ دَعَوْنَاكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا، فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا، فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا وَ لَكِنْ عَلِمُكَ فِينَا وَ عَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ، وَ إِنَّ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَ عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ،

آیا ممکن است پروردگارا برخلاف گمانهای ما به خویش رفتار کنی، یا آرزوهایمان را نسبت به رحمتت نومید سازی، هرگز ای بزرگوار، چنین گمانی به تو نیست، و طمع ما درباره تو این چنین نمی باشد، پروردگارا، ما را درباره تو آروزی طولانی بسیاری است، ما را در حق تو امید بزرگی است، از تو نافرمانی کردیم و حال آنکه امیدواریم گناه را بر ما بیوشانی، و تو را خواندیم و امیدواریم که بر ما اجابت کنی، مولای ما امیدمان را تحقق بخش، ما دانستیم که با کردارمان سزاوار چه خواهیم بود، ولی دانش تو درباره ما، و

آگاهی ما به اینکه ما را از درگاهت نمیرانی، گرچه ما سزاوار رحمت نیستیم ولی تو شایسته آنی که بر ما و بر گنهکاران به فضل گسترده ات جود کنی،

۱۶- فَاْمُنْ عَلَيْنَا بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ، وَ جُدْ عَلَيْنَا، فَاِنَّا مُحْتَاجُونَ اِلَى نَيْلِكَ، يَا غَفَّارُ
بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا، وَ بِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا، وَ بِنِعْمَتِكَ [فِي نِعْمِكَ] اَصْبَحْنَا وَ اُمْسَيْنَا،
ذُنُوبَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللّٰهُمَّ مِنْهَا وَ نَتُوبُ اِلَيْكَ، تَتَحَبَّبُ اِلَيْنَا بِالنَّعَمِ، وَ
نُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ، خَيْرُكَ اِلَيْنَا نَازِلٌ، وَ شَرُّنا اِلَيْكَ صَاعِدٌ، وَ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ مَلَكٌ
كَرِيْمٌ يَأْتِيكَ [عَنَّا] بِعَمَلٍ قَبِيحٍ، فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ اَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ، وَ
تَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْاِيَّامِ، فَسُبْحَانَكَ مَا اَحْلَمَكَ وَ اَعْظَمَكَ وَ اَكْرَمَكَ،

پس آنگونه که شایسته آنی بر ما منت گذار، و بر ما جود کن، که ما نیازمند به عطای تویم، ای آمرزگار، به نور تو هدایت شدیم، و به فضل تو بی نیاز گشتیم، و به نعمت بامداد نمودیم و شامگاه کردیم، گناهان ما پیش روی توست، خدایا از گناهانمان از تو آمرزش می خواهیم، و به سوی تو باز می گردیم، تو با نعمتها به ما مهر می ورزی و ما با گناهان با تو مقابله می کنیم، خیرت به سوی ما سرازیر است، و بدی ما به سوی تو بالا می آید، همواره فرشته کریمی، از ما کردار زشت به جانب تو می آید، و این امر مانع نمی شود از اینکه ما را با نعمتهایت فراگیری، و به عطاهای برجسته ات بر ما تفضل نمایی، منزهی تو، چه بردبار و بزرگ و کریمی،

۱۷- مُبْدِئاً وَ مُعِيداً، تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ، وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَ كَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَ فِعَالُكَ،
اَنْتَ اِلٰهِي اَوْسَعُ فَضْلاً وَ اَعْظَمُ حِلْماً مِنْ اَنْ تُقَايَسَنِي بِفِعْلِي وَ خَطِيئَتِي، فَالْعَفْوُ
الْعَفْوُ الْعَفْوُ، سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي.

آغاز کننده به نیکی و تکرار کننده آنی، نام هایت مقدس، و ثنایت عظیم، و رفتارها و کردارهایت کریمانه است، خدایا، فضلت گسترده تر و بردباری ات بزرگ تر از آن است که مرا به کردار ناپسند و خطاکاری ام بسنجی، پس گذشت نما، گذشت نما، گذشت نما، آقای من، آقای من، آقای من .

۱۸- اللّٰهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ، وَ اَعِزَّنَا مِنْ سَخَطِكَ، وَ اَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ، وَ ارْزُقْنَا مِنْ
مَوَاهِبِكَ، وَ اَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ، وَ ارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ وَ
رَحْمَتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ، اِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ، وَ ارْزُقْنَا

عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَ تَوَقَّنَا عَلَى مِلَّتِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِيُوالِدَيَّ وَ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا، إِجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا، وَ
بِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا،

ما را به ذکرت مشغول کن، و از خشم پناه ده، و از عذابت نجات بخش، و از مواهبت روزی کن، و از فضلت
بر ما انعام فرما، و زیارت خانه ات، و زیارت مرقد پیامبرت را روزی ما کن، صلوات و رحمت و مغفرت و
رضوانت بر پیامبر و خاندانش، تو نزدیک و جواب دهنده هستی، عمل به طاعتت را روزی ما گردان، و ما را
بر دینت و بر روش پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش) بمیران .

خدایا من و پدر و مادرم را بیمارز و به هر دو آنها رحم کن، چنان که مرا به گاه کودکی پروردند، احسان
هر دو را به احسان، و بدیهایشان را به آمرزش پاداش ده.

۱۹- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ، وَ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ
بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ [فِي الْخَيْرَاتِ] .

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَ مَيِّتِنَا، وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا، ذَكِّرْنَا وَ اُنْثَانَا [إِنَاثِنَا] ، صَغِيرَنَا وَ
كَبِيرَنَا، حُرَّنَا وَ مَمْلُوكِنَا، كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا، وَ خَسِرُوا خُسْرَانًا
مُبِينًا .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ، وَ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ
دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي، وَ اجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً، وَ
لَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا

خدایا مردان و زنان مؤمن را بیمارز، چه زنده و چه مرده آنها را، و بین ما و آنان با نیکیها پیوند ده .
خدایا بیمارز زنده و مرده ما را، حاضر و غائب ما را، مرد و زن ما را، کوچک و بزرگ ما را، آزاد و غیر آزاد ما
را، برگشتگان از خدا دروغ گفتند، و گمراه شدند گمراهی دوری، و زیان کردند، زیانی آشکار .

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و برایم ختم به خیر فرما، و مرا از آنچه که بی قرارم کرده از
کار دنیا و آخرتم کفایت کن، و کسی که مرا رحم نمی کند بر من چیره مساز، و بر من از سوی خود
نگهبانی همیشگی قرار ده، و از من شایسته های آنچه را که انعام کردی مگیر، و از فضلت روزی گسترده
حلال پاکیزه نصیب من کن.

۲۰- اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ، وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِكَ، وَ اكْلَأْنِي بِكِلَاءَتِكَ، وَ ارْزُقْنِي حِجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ، وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَ الْأُئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ لَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ.

خدایا به نگهبانی ات مرا نگهبانی کن، و به نگهداری ات مرا نگهدار، و به پاسداری ات از من پاسداری فرما، و زیارت خانه ات را در این سال و در هر سال، و زیارت مرقد پیامبرت و امامان (درود بر آنان) را روزی من کن، پروردگارا از این مشاهد پر شرف و مواقف بس گرامی مرا محروم مساز.

۲۱- اللَّهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَغْصِيكَ، وَ أَلْهِمْنِي الْخَيْرَ وَ الْعَمَلَ بِهِ وَ خَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَ تَعَبَّأْتُ [تَعَبَّيْتُ] وَ قُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ نَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاساً إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ، وَ سَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ، مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَحْتُ سَرِيرَتِي، وَ قَرُبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي، عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَ حَالَتْ بَيْنِي وَ بَيْنَ خِدْمَتِكَ،

خدایا به من روی آور تا نافرمانی ات نکنم، و خیر و عمل به آن و خشیت از خویش را در شب و روز، تا گاهی که زنده ام می داری ای پروردگار جهانیان به من الهام فرما .

خدایا هرگاه گفتم مهیا و آماده شدم و در پیشگاهت به نماز ایستادم و با تو راز گفتم، چرتی بر من افکندی، آنگاه که وارد نماز شدم، و حال راز گفتن را از من گرفتی آنگاه که با تو رازونیز کردم، مرا چه شده؟ هرگاه گفتم نهانم شایسته شد، و جایگاهم به جایگاه توبه کنندگان نزدیک گشته، برایم گرفتاری پیش آمد که بر اثر آن گرفتاری پایم لغزید، و میان من و خدمت به تو مانع شد،

۲۲- سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي، وَ عَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضاً عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ [الْكَذَّابِينَ] فَرَفَضْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ

فَبَيِّنِي وَ بَيْنَهُمْ خَلِّيتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ
بَجْرُمِي وَ جَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي،

سرور من، شاید مرا از درگاهت رانده ای، و از خدمت عزل نموده ای، یا مرا دیده ای که حقت را سبک می
شمارم پس از پیشگاهت دورم ساختی، یا شاید مرا روی گردان از خود مشاهده کردی پس مرا مورد خشم
قرار دادی، یا شاید مرا در جایگاه دروغگویان یافتی پس به دورم انداختی، یا شاید مرا نسبت به نعمتهایت
ناسپاس دیدی پس محرومم نمودی، یا شاید مرا از همنشینی دانشمندان غایب یافتی پس خوارم نمودی، یا
شاید مرا در گروه غافلان دیدی پس از رحمت ناامیدم کردی، یا شاید مرا انس یافته با مجالس بیکاره ها
دیدی پس مرا به آنان واگذاشتی، یا شاید دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس دورم نمودی، یا شاید به
خاطر جرم و جنایتم کیفرم نمودی،

۲۳- أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَائِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي، فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ
الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي، لَأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكَافَأَةِ الْمُقْصِرِينَ، وَ أَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ،
هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، مُتَنَجِّزٌ [مُتَنَجِّزٌ] مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا،
إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا، وَ أَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَاسِنِي بِعَمَلِي، أَوْ أَنْ تُسْتَزِلَّنِي
بِخَطِيئَتِي، وَ مَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَ مَا خَطَرِي،

یا شاید برای کمی حیایم از تو مجازاتم نمودی، پس اگر پروردگارا عفو کنی، سابقه اینکه از گناهکاران پیش
از من گذشته ای طولانی است، زیرا کرمات پروردگارا از مجازات اهل تقصیر بسیار بزرگ تر است، و من
پناهنده به فضل توام، از تو به تو گریزانم، خواهان چیزی هستم که وعده داده ای و آن چشم پوشی از
کسانی است که به تو گمان نیک برده اند، خدایا فضل تو گسترده تر، و بردباری ات بزرگ تر از آن است که
مرا به کردارم بسنجی، یا به خطایم بلغزانی، ای آقا، من چیستم، و چه ارزشی دارم؟

۲۴- هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي، وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، وَ جَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ، وَ اغْفُ عَنِ
تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ، سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ، وَ أَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ، وَ
أَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ، وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ، وَ أَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ، وَ الْجَائِعُ
الَّذِي أَشْبَعْتَهُ، وَ الْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ، وَ الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ، وَ الْفَقِيرُ الَّذِي

أَغْنَيْتَهُ، وَ الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ، وَ الدَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ، وَ السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ، وَ السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ، وَ الْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ، وَ الْخَاطِئُ الَّذِي أَقْلَتَهُ،

سرور من مرا به فضلت بخش، و با گذشتت بر من کرم فرما، و به پرده پوشی ات خطاهایم را بیوشان، و به کرم وجودت از توبیخم درگذر، آقای من، منم کودکی که پروریدی، منم نادانی که دانا نمودی، منم گمراهی که هدایت کردی، منم افتاده ای که بلندش نمودی، منم هراسانی که امانش دادی، و گرسنه ای که سیرش نمودی، و تشنه ای که سیرابش کردی، و برهنه ای که لباسش پوشاندی، و تهیدستی که توانگرش ساختی، و ناتوانی که نیرومندش نمودی، و خواری که عزیزش فرمودی، و بیماری که شفایش دادی، و خواهشمندی که عطایش کردی، و گنهکاری که گناهش را بر او پوشاندی، و خطاکاری که نادیده اش گرفتی،

۲۵- وَ أَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ، وَ الْمُسْتَضَعْفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ، وَ أَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي أَوَيْتَهُ، أَنَا يَا رَبَّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ، وَ لَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ، أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى، أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى، أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ، أَنَا الَّذِي أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرُّشَا، أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى، أَنَا الَّذِي أُمَهَّلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ، وَ سَتَرْتُ عَلَى فَمَا اسْتَحْيَيْتُ، وَ عَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ،

و منم اندکی که بسیارش فرمودی، و ناتوان شمرده ای که یاری اش دادی، و رانده شده ای که مأوایش بخشیدی، من پروردگارا کسی هستم که در خلوت از تو حیا نکردم، و در آشکار از تو ملاحظه ننمودم، منم صاحب مصیبت‌های بزرگ، منم آن که بر آقایش گستاخی کرد، منم آن که جبار آسمان را نافرمانی کرد، منم آن که بر معاصی بزرگ رشوه دادم، منم آن که هرگاه به گناهی مژده داده می شدم شتابان به سویش می رفتم، منم آن که مهلتم دادی باز نایستادم، و بر من پرده پوشاندی حیا نکردم، و مرتکب گناهان شدم و از اندازه گذراندم،

۲۶- وَ أَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ [عِنْدِكَ] فَمَا بَالَيْتُ، فَبِحِلْمِكَ أُمَهَّلْتَنِي، وَ بِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي، وَ مِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي .

إِلَهِي لَمْ أَغْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَا حِدٌ، وَ لَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَ لَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَ لَا لِوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ، لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي، وَ غَلَبَنِي هَوَايَ، وَ أَغَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي، وَ غَرَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْخَى عَلَيَّ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَ خَالَفْتُكَ بِجَهْدِي، فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذْنِي، وَ مِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ يُخَلِّصْنِي،

و مرا از چشمت انداختی و اهمیت ندادم، پس با بردباری ات مهلتم دادی، و با پرده پوشی ات مرا پوشاندی تا آنجا که گویی مرا از یاد برده ای، و از مجازات گناهان برکنارم داشته ای گویا تو از من حیا کرده ای . !!
خدا یا، آنگاه که نافرمانی کردم نافرمانی ات نکردم چنان که منکر پروردگاری ات باشم، و نه چنان که سبک شمارنده فرمانت باشم، و نه با گستاخی در معرض کيفرت قرار گیرم، و نه تهدیدت را ناچیز شمارم، ولی خطایی بود که بر من عارض شد و نفسم آن را برایم آراست، و بدبختی ام مرا بر آن یاری نمود، و پرده افتاده ات بر من مغرورم نمود، در نتیجه با کوشش نافرمانی ات نمودم و به مخالفت برخاستم، اکنون چه کسی مرا از عذابت نجات می دهد، و فردا از چنگ ستیزه جویان و دشمنی کنندگان چه کسی رها می کند،

۲۷- وَ بِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي، فَوَا سَوَاتَا [أَسْفَا] عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْ لَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَ نَهْيِكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنْطُتُ عِنْدَ مَا أَتَذَكَّرُهَا، يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ، وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ .

اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَ بِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ، وَ بِحُبِّي النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الْقُرَشِيَّ الْهَاشِمِيَّ الْعَرَبِيَّ التَّهَامِيَّ الْمَكِّيَّ الْمَدَنِيَّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ، فَلَا تُوحِشْ اسْتِينَاسَ إِيْمَانِي،

و به رشته چه کسی پیوندم اگر تو رشته ات را از من بگسلی، مرا چه رسوایی بزرگی است از آنچه کتاب تو از کردارم در شمار آورده، اگر امیدوار به کرم فراوانی رحمت نبودم، و هم اینکه مرا از ناامیدی نهی نموده ای، هرآینه ناامید می شدم به هنگامی که گناهانم را بیاد می آوردم، ای بهترین کسی که خواننده ای او را خواند، و برترین کسی که امیدواری به او امید بست

خدایا به پیمان اسلام به تو توسّل می جویم، و به حرمت قرآن بر تو تکیه می کنم، و به محبتّم نسبت به پیامبر درس ناخوانده قریشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی، همجواری نزد تو را امید می نمایم، پس انسِ ایمانی مرا در عرصه وحشت نینداز،

۲۸- وَ لَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبْدَ سِوَاكَ، فَإِنْ قَوْمًا آمَنُوا بِالسِّنَتِهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ، فَأَذْرِكُوا مَا أَمَّلُوا، وَ إِنَّا آمَنَّا بِكَ بِالسِّنَتِنَا وَ قُلُوبِنَا لِتَعْفُو عَنَّا، فَأَذْرِكُنَا [فَأَذْرِكُنَا] مَا أَمَلْنَا، وَ ثَبَّتْ رَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا، وَ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، فَوَ عِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ، وَ لَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ، لِمَا أَلْهِمَ قَلْبِي [يَا سَيِّدِي] مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ، وَ إِلَى مَنْ يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ.

و پاداش مرا، پاداش کسی که غیر تو را عبادت کرده قرار مده، چه اینکه مردمی به زبانشان ایمان آوردند تا جانشان را به این وسیله حفظ کنند، پس به آنچه آرزو داشتند رسیدند، و ما با زبان و دلمان به تو ایمان آوردیم، تا از ما درگذری، پس ما را به آنچه آرزومندیم برسان، و امیدت را در سینه هایمان استوار کن، و دلهایمان را پس از آنکه هدایتمان فرمودی گمراه مکن، و از جانب خود ما را ببخش، که تو بسیار بخشنده ای، به عزت سوگند اگر مرا برانی، از درگاهت نخواهم رفت، و از چاپلوسی نسبت به تو باز نخواهم ایستاد، به خاطر الهامی که از معرفت به کرمّت و گستردگی رحمتت به قلب من شده، بنده به جانب چه کسی جز مولایش می رود؟ و آفریده به چه کسی جز آفریدگارش پناه می برد؟

29- إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ، وَ مَنَعْتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ، وَ دَلَلْتَ عَلَيَّ فَضَائِحِي عُيُونِ الْعِبَادِ، وَ أَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ، وَ حُلْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ، وَ مَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ، وَ لَا خَرَجَ حُبِّكَ مِنْ قَلْبِي، أَنَا لَا أَنْسَى أَيَادِيكَ عِنْدِي، وَ سَتَرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا، سَيِّدِي أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي، وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْمُصْطَفَى وَ آلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .

خدایا، اگر مرا با زنجیرها ببندی، و عطایت را در میان مردم از من بازداری، و بر رسواییهایم دیدگان بندگان را بگشایی، و مرا به سوی دوزخ فرمان دهی، و بین من و نیکان پرده گردی، امیدم را از تو نخواهم برید، و آرزویم را از عفو تو باز نخواهم گرداند، و محبتت از قلبم بیرون نخواهد رفت، من فراوانی عطایت را نزد خود، و پرده پوشی ات را در دار دنیا بر گناهانم فراموش نخواهم کرد، ای آقای من محبت دنیا را از دلم بیرون کن، و میان من و مصطفی پیامبرت و خاندانش، بهترین برگزیدگان از آفریدگانت و پایان بخش پیامبران محمد (درود خدا بر او و خاندانش) جمع کن،

۳۰- وَ انْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ، وَ اعْنِي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي، فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَ الْأَمَالِ عُمْرِي، وَ قَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْآيسِينَ مِنْ خَيْرِي [حَيَاتِي] ، فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً مِنِّي إِنْ أَنَا نَقَلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي، [قَبْرٍ] لَمْ أَمْهَدُهُ لِرَقْدَتِي، وَ لَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي، وَ مَا لِي لَا أَبْكِي وَ لَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي، وَ أَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي، وَ أَيَّامِي تُخَاتِلُنِي، وَ قَدْ خَفَقْتُ عِنْدَ [فَوْقَ] رَأْسِي أَجْنِحَةَ الْمَوْتِ، فَمَا لِي لَا أَبْكِي، أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي، أَبْكِي لِضِيقِ لَحْدِي، أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ إِيَّايَ،

و مرا به مقام توبه به پیشگاهت برسان، و بر گریه بر خویشتن مرا یاری ده، من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوهای باطل نابود ساختم، و اینک به جایگاه ناامیدان از خیر و صلاح فرود آمده ام، پس بدحال تر از من کیست؟ اگر من بر چنین حالی به قبرم وارد شوم، قبری که آن را برای خواب آماده نساخته ام، و برای آرمیدن به کار نیک فرش ننموده ام، و مرا چه شده که گریه نکنم، و حال آنکه نمی دانم بازگشت من به جانب چه خواهد بود، من نفسم را می نگرم که با من نیرنگ می بازد، و روزگار را مشاهده می کنم که مرا می فریبد، و حال آنکه بالهای مرگ بالای سرم به حرکت درآمده، پس مرا چه شده که گریه نکنم، گریه می کنم برای بیرون رفتن جان از بدنم، گریه می کنم برای تاریکی قبرم، گریه می کنم برای تنگی لحدم، گریه می کنم برای پرسش دو فرشته قبر، منکر و نکیر از من،

۳۱- أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي غُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلَى ظَهْرِي، أَنْظِرْ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَ أُخْرَى عَنْ شِمَالِي، إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي، لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ، وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ، ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ، تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَ ذَلَّةٌ، سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعُولِي وَ مُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي وَ تَوَكَّلِي، وَ

بِرَحْمَتِكَ تَعْلُقِي، تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ، وَ تَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ، فَلَكَ
الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشَّرْكِ قَلْبِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي، أ فَبِلِسَانِي
هَذَا الْكَالَ أَشْكُرُكَ، أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي [جَهْدِي] فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ،

گریه می کنم برای درآمدن از قبر عریان و خوار، درحالی که بار سنگینی را بر دوش می کشم، یک بار از
طرف راست و بار دیگر از جانب چپم نگاه می کنم، هنگامی که مردمان در کاری جز کار منند، چه برای
هرکسی از آنان در آن روز کاری است که او را بس است، چهره هایی در آن روز، روشن و خندان و خوشحال
اند، و چهره هایی در آن روز، بر آنها غبار بدفرجامی نشسته، و سیاهی و خواری، آن ها را پوشانده، ای آقای
من، تکیه و اعتماد و امید و توکلّم بر تو، و آویختنم بر رحمت توست، هر که را خواهی به رحمت رسانی، و
با کرامت هر که را دوست داری هدایت کنی، پس تو را سپاس بر اینکه قلبم را از شرک پاک نمودی، و برای
تو سپاس بر گشودن زبانم، آیا با این زبان کدم تو را شکر کنم، یا با نهایت کوشش در کارم تو را خشنود
نمایم،

۳۲- وَ مَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ، وَ مَا قَدَرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَ
إِحْسَانِكَ [إِلَى] ، إِلَهِي إِنَّ [إِلَّا أَنْ] جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي، وَ شُكْرَكَ قَبْلَ عَمَلِي،
سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي، وَ إِلَيْكَ [مِنْكَ] رَهْبَتِي، وَ إِلَيْكَ تَأْمِيلِي، وَ قَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ
أَمَلِي، وَ عَلَيْكَ [إِلَيْكَ] يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ [عَلَقْتُ] هِمَّتِي، وَ فِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ
رَغْبَتِي، وَ لَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَ خَوْفِي، وَ بِكَ أَنْسَتْ مَحَبَّتِي، وَ إِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي ،
وَ بِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي، [يَا] مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي، وَ بِمُنَاجَاتِكَ
بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي، فَيَا مَوْلَايَ وَ يَا مُؤَمِّلِي وَ يَا مُنْتَهَى سُؤْلِي، فَرَّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ
ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ، فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فَيْكَ، وَ عَظِيمِ الطَّمَعِ
مِنْكَ ، الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ، فَالْأَمْرُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ
لَكَ،

پروردگارا ارزش زبانم در کنار شکرت چیست، و قیمت کارم در برابر نعمتهایت و احسانت چه اندازه است؟!
خدایا، جودت آرزویم را گسترده، و سپاست عملم را پذیرفت، ای آقای من میلّم به سوی توست، و ترسم از
جانب توست، و آرزویم به پیشگاه توست، آرزویم مرا به سوی تو کشانده، و همّتّم بر درگاه تو ای خدای یگانه

معتکف شده، و رغبتم در آنچه نزد توست فزونی یافته، امید خالص و بیمم برای توست، و محبتم به تو انس گرفته، و دستم را به جانب تو انداختم، و ترسم را به سوی رشته طاعت تو کشیدم، ای مولای من دلم به یاد تو زندگی کرد، و با مناجات با تو آتش هراس را بر خود سرد نمودم، ای مولایم و ای آرزویم و ای نهایت خواسته ام، میان من و گناهیم جدایی انداز، گناهی که بازدارنده من از ملازمت طاعت توست، تنها از تو درخواست می کنم، به خاطر امید دیرینه به تو، و بزرگی طمع از تو، که از مهر و رحمت بر خود واجب کرده ای، پس فرمان تو راست، یگانه ای و شریکی نداری،

33- وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، وَ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ، تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

إِلَهِي ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي، وَ كُلٌّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي، وَ طَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ إِيَّايَ لُبِّي، فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي، وَ لَا تَرُدَّنِي لِجَهْلِي، وَ لَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي، أَعْطِنِي لِفَقْرِي، وَ ارْحَمْنِي لِضَعْفِي، سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَ مُعَوَّلِي وَ رَجَائِي وَ تَوَكُّلِي، وَ بِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي، وَ بِفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي، وَ بِجُودِكَ أَقْصِدُ [أَقْصِرُ] طَلِبَتِي، وَ بِكَرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعَائِي، وَ لَدَيْكَ أَرْجُو فَاقَتِي [اضْيَافَتِي]، وَ بِغِنَاكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي، وَ تَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي، وَ إِلَى جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي، وَ إِلَى مَعْرُوفِكَ أَدِيمُ نَظْرِي،

و همه خلق جیره خوار تو، و در دست قدرت تواند، و هرچیز برای تو فروتن است، منزهی تو ای پروردگار جهانیان .

خدایا به من رحم کن آنگاه که حجتم بریده شود، و زبانم از پاسخ ناگویا گردد، و به هنگام بازپرسی ات هوش از سرم برود، ای بزرگ امیدم، زمانی که بیچارگی ام شدت گیرد محرومم مکن، و به خاطر نادانی ام از درگاهت مران، و به علت کم تابي ام از رحمتت دریغ مفرما، به جهت تهیدستی ام عطایم کن، و به خاطر ناتوانی ام به من رحم کن، آقایم اعتماد و تکیه و امید و توکلم بر توست، و آویختنم به رحمت توست، و بارم را به آستان تو اندازم، و خواسته ام را به جود و کرم تو جویم، پروردگارا دعایم را آغاز می کنم، و رفع تنگدستی ام را به تو امید می بندم، و به توانگری تو، ناداری ام را جبران می کنم، و ایستادنم زیر سایه عفو توست، و به جانب جود و کرمت دیده ام را بلند می کنم، و به سوی احسانت نگاهم را ادامه می دهم،

۳۴- فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَ أَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي، وَ لَا تُسْكِنِي الْهَآوِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي، يَا سَيِّدِي لَا تُكَذِّبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَ مَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ ثِقَتِي، وَ لَا تَحْرِمْ مِنِّي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي .

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْاعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي وَسَائِلَ عِلِّي .

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ، وَ إِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ، أَرْحَمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي، وَ عِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي، وَ فِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي، وَ فِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي، وَ إِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلٌّ مَوْقِفِي، وَ اغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ الْآدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي،

پس مرا به آتش مسوزان و حال آنکه تو جایگاه آرزوی منی، و در دوزخ جایم مده که تو نور چشم منی، ای آقای من گمانم را به احسان و نیکی ات تکذیب مکن که تویی مورد اطمینانم، و از پاداشت محرومم مگردان که تو عارف به تهیدستی منی .

خدایا اگر مرگم فرا رسیده و کردارم مرا به تو نزدیک نکرده پس اعتراف به گناهم را به پیشگاهت وسیله عذرخواهی ام قرار دادم .

خدایا اگر گذشت کنی، پس سزاوارتر از وجود تو به گذشت کیست؟ و اگر عذاب نمایی پس دادگتر از تو در داوری کیست؟ در این دنیا به غربتم، و به گاه مرگ به سختی جان دادم، و در قبر به تنهایی ام، و در لحد به هراسم رحم کن، و زمانی که برای حساب در برابرت برانگیخته شدم به خواری جایگاهم رحمت آور، و آنچه از کردارم بر انسانها پوشیده مانده بیامرز،

۳۵- وَ أَدِمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي، وَ أَرْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُقَلِّبُنِي [يُغَسِّلُنِي] صَالِحُ جِيرَتِي، وَ تَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي، وَ جُدْ عَلَيَّ مَنَقُولاً قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي، وَ أَرْحَمُ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي، حَتَّى لَا أُسْتَأْنَسَ بِغَيْرِكَ، يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ،

و آنچه را که مرا به آن پوشاندی تداوم بخش، و به من در حال افتادن در بستر مرگ که دستهای دوستانم مرا این طرف و آن طرف کند رحم فرما، و بر من تفضل کن در آن حال که روی تخت غسلخانه به صورت درازا افتاده ام و همسایگان شایسه مرا به این سو و آن سو برمی گردانند، و به من محبت فرما در وقت حمل شدنم که بستگانم گوشه های جنازه ام را به دوش برداشته اند، و در حالت حمل شدنم که تنها در قبرم وارد پیشگاه تو شده ام بر من جود نما، و در این خانه جدید بر غربتم رحم کن، تا به غیر تو انس نگیرم، ای آقای من، اگر مرا به خودم واگذاری هلاک شده ام،

۳۶- سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَغِيثُ إِنْ لَمْ تُقْلِنِي عَثْرَتِي، فَإِلَى مَنْ أَفْزَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي، وَ إِلَى مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتِي، سَيِّدِي مَنْ لِي وَ مَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي، وَ فَضْلَ مَنْ أُوْمَلُّ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي، وَ إِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي، سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَرْجُوكَ .

إِلَهِي [اللَّهُمَّ] حَقِّقْ رَجَائِي، وَ آمِنْ خَوْفِي، فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا [لَهَا] إِلَّا عَفْوَكَ، سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ، وَ أَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، فَاغْفِرْ لِي وَ أَلْبِسْنِي مِنْ نَظَرِكَ ثَوْبًا يُغَطِّي عَلَى التَّبَعَاتِ، وَ تَغْفِرْهَا لِي وَ لَا أَطَالِبُ بِهَا، إِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٍ، وَ صَفْحٍ عَظِيمٍ، وَ تَجَاوُزٍ كَرِيمٍ.

ای آقای من، اگر لغزشم را نادیده نگیری از چه کسی فریادرسی خواهم؟ و به چه کسی پناه ببرم اگر عنایت را در آرامگاهم نداشته باشم؟ و به چه کسی التجا برم اگر غم و اندوهم را برطرف نکنی؟ ای آقای من، که را دارم و چه کسی بر من رحم می کند اگر تو به من رحم نکنی؟ و احسان که را آرزو کنم اگر احسان تو را روز بیچارگی ام نداشته باشم؟ و گریز از گناهان به سوی کیست وقتی که عمرم سرآید؟ ای آقای من، مرا عذاب مکن که امید به تو دارم .

خدایا امیدم را تحقق بخش، و ترسم را ایمنی ده، زیرا من در عین فراوانی گناهانم امیدم جز به گذشت تو ندارم، ای آقای من، چیزی را از تو درخواست دارم که شایسته آن نیستم، و تو اهل تقوا و آمرزشی، پس مرا بیامرزش و جامه ای از لطفت بر من بپوشان که گناهانم را بر من بپوشاند، و آنها را بیامرزش و نسبت به آنها بازخواست نشوم، که تو دارای کرم دیرینه، و چشم پوشی بزرگ و گذشت کریمانه ای.

۳۷- إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيِّبَكَ عَلَى مَنْ لَا يَسْأَلُكَ، وَ عَلَى الْجَاهِلِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَ أُيْقِنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ، وَ الْأَمْرَ إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ

وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ، أَقَامَتْهُ الْخَصَاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ، يَقْرَعُ
بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ، أَوْ يَسْتَعِظُ جَمِيلَ نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجَائِكَ [] ، فَلَا تُعْرِضْ
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي، وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ، فَقَدْ دَعَوْتُ [دَعْوَتَكَ] بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَ أَنَا
أَرْجُو أَنْ لَا تَرُدَّنِي مَعْرِفَهُ مِنِّي، بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ
سَائِلٌ، وَ لَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ، أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا نَقُولُ .

خدایا تویی که عطایت را پی در پی فرو ریزی بر کسی که از تو درخواست نمی کند، و بر آنان که منکر
پروردگاریت هستند، چه رسد آقای من، بر کسی که از تو خواهش کرده، و یقین نمود که آفرینش از تو و
فرمان تنها به دست توست، منزّه و والایی ای پروردگار جهانیان، ای آقای من، بنده ات به درگاه توست،
تنگدستی او را پیش رویت قرار داده، با دعایش در خانه احسانت را می کوبد، پس روی کریمانه ات را از من
برمگردان، و آنچه می گویم از من بپذیر، من تو را به این دعا خواندم، امید دارم که به خاطر معرفتم به رأفت
و مهرت مرا باز نگردانی، خدایا تویی آن که پرسنده ای ناتوانت نکند، و عطاگیری از تو نکاهد، تو چنانی که
خود گویی، و بالاتر از آنچه ما می گوییم.

۳۸- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا، وَ فَرَجًا قَرِيبًا، وَ قَوْلًا صَادِقًا، وَ أَجْرًا عَظِيمًا،
أَسْأَلُكَ يَا رَبَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا
سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، أَعْطِنِي سُؤْلِي
فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وَالِدِيَّ وَ وَلَدِي [وَأَوْلَدِي] وَ أَهْلِي حُزَانَتِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ، [وَأَوْ]
أَرْغِدْ عَيْشِي، وَ أَظْهِرْ مُرُوتِي، وَ أَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلَتْ عُمرُهُ،
وَ حَسَّنَتْ عَمَلَهُ، وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، وَ رَضِيتَ عَنْهُ، وَ أَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي
أَدْوَمِ السُّرُورِ، وَ أَسْبَغِ الْكَرَامَةَ وَ أَتَمِّ الْعَيْشِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ لَا تَفْعَلُ [يَفْعَلُ]
مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ.

خدایا از تو صبری زیبنده، و گشایشی نزدیک و گفتاری درست و مزدی بزرگ درخواست می کنم، پروردگارا
از خیر تمامش را از تو می خواهم، آنچه را از آن دانسته ام و آنچه را ندانسته ام، خدایا از تو می خواهم
بهترین چیزهایی را که بندگان شایسته ات از تو خواستند، ای بهترین کسی که از او خواسته می شود، و
سخی ترین کسی که عطا فرمود، خواسته ام را در حق خودم و خانواده ام و پدر و مادرم و فرزندانم و

خاصتم و برادران دینی ام به من عطا کن، زندگی ام را گوارا گردان، مروتّم را آشکار ساز، و همه احوالم را اصلاح کن، و مرا از کسانی قرار ده که عمرش را طولانی کردی، و کردارش را نیکو ساختی، و نعمت را بر او تمام کردی، و از او خشنود شدی، و او را به زندگانی پاکیزه زنده داشتی، در بادوام ترین خوشیها، و کامل ترین کرامتها و کامل ترین زندگیها، همانا تو هرچه را بخواهی انجام می دهی و جز تو هرچه را بخواهد توان انجام آن را ندارد.

۳۹- اللَّهُمَّ خُصِّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ، وَ لَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آثَارِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَ لَا سُمْعَةً وَ لَا أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا، وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ .

اللَّهُمَّ أَغْنِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ، وَ الْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ، وَ قُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ، وَ الْمُقَامَ فِي نِعَمِكَ عِنْدِي، وَ الصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ، وَ الْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ، وَ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَ تَنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ مَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا، وَ بَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا، وَ حَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا، وَ سَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا،

خدایا از جانب خود مرا به ذکر خاصت اختصاص ده، و چیزی از آنچه که به وسیله آن به تو تقرّب می جویم را در همه اوقات شب و روز وسیله ریا و شهرت خواهی و هوس رانی و طغیانگری قرار مده، و مرا از خاشعان درگاهت بگردان .

خدایا از تو می خواهم که به من عطا کنی :گشایش در روزی، امنیت در وطن، نور چشم در خانواده و مال و اولاد، و پایداری در نعمتهایی که نزد من است، و تندرستی در جسم، و توانمندی در بدن، و سلامت در دین، و مرا به طاعت و طاعت رسولت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد، به کار گمار، همیشه و تا هنگامی که عمرم داده ای، و مرا از پر نصیب ترین بندگانت در نزد خود قرار ده، پر نصیب تر در هر خیری که فرو فرستادی، و در ماه رمضان در شب قدر نازل می کنی، و نازل کننده آنی در هر سال، از رحمتی که می گستری، و عافیتی که می پوشانی، و بلایی که دفع می کنی، و خوبیهای که می پذیری، و بدیهایی که از آن درمی گذاری،

۴۰- وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا [عَامِي] هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ، وَ ارْزُقْنِي رِزْقاً وَاسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ، وَ اصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَءَ، وَ اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَ الظُّلُمَاتِ حَتَّى لَا أَتَأَذَى بِشَيْءٍ مِنْهُ، وَ خُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَ أَبْصَارٍ أَعْدَائِي وَ حُسَادِي وَ الْبَاغِينَ عَلَيَّ، وَ انْصُرْنِي عَلَيْهِمْ، وَ أَقِرَّ عَيْنِي، [وَأَوْ حَقِّقْ ظَنِّي] ، وَ فَرِّحْ قَلْبِي،

و در این سال و هر سال زیارت خانه ات را نصیبم فرما، و از فضل گسترده ات روزی فراخ ارزانی من کن، و بدیها را ای آقای من از من برگردان، و بدهی مرا بپرداز و جبران ستمهایی که بر عهده من است را ادا فرما تا به خاطر چیزی از آنها آزار نبینیم و گوشها و دیدگان دشمنان و حسودان و متجاوزان بر من را از من بگیر، و مرا بر آنان پیروز کن، و چشمم را روشن فرما، و دلم را شادی بخش،

۴۱- وَ اجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَ كَرْبِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً، وَ اجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ، وَ اكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ، وَ شَرَّ السُّلْطَانِ، وَ سَيِّئَاتِ عَمَلِي، وَ طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا، وَ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ، وَ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ بِفَضْلِكَ، وَ أَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَجْسَادِهِمْ وَ أَرْوَاحِهِمْ وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ.

و برایم از اندوه و غم گشایش و بیرون رو قرار ده، و هرکه از میان مخلوقات نسبت به من به بدی قصد کرده، زیر گامم قرار ده، و مرا از گزند شیطان و گزند پادشاه و بدیهای کردارم کفایت کن، و از همه گناهان پاکم فرما، و به گذشتت از آتش امانم ده، و به رحمتت به بهشت واردم کن، و به احسانت از حور العین به همسری ام درآور، و مرا به دوستان شایسته ات محمد و خاندانش آن خوبان و نیکان پاکیزه و پاک ملحق کن، درود بر آنان و بر تنها و جانهایشان، و رحمت خدا و برکاتش بر ایشان.

۴۲- إِلَهِي وَ سَيِّدِي، وَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأَطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ، وَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأَطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ، وَ لَئِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ .

إِلَهِي وَ سَيِّدِي، إِنْ كُنْتُ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ
الْمُذْنِبُونَ، وَ إِنْ كُنْتُ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ .
إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ عَدُوَّكَ، وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذَلِكَ
سُرُورٌ نَبِيِّكَ، وَ أَنَا وَ اللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوَّكَ.

خدایا ای آقای من، به عزّت و جلالت سوگند، اگر مرا به گناهانم پی جویی کنی، من تو را به عفو تو پی می
جویم، و اگر مرا به پستی ام تعقیب نمایی، من تو را به کرمی می خواهم، و اگر به دوزخم دراندازی اهل
دوزخ را به محبتم به تو آگاه می سازم .

خدایم و آقایم اگر جز اولیا و اهل طاعت را نیامرزی، پس گنهکاران به چه کسی پناه برند، و اگر جز اهل وفا
را اکرام ننمایی، پس بدکاران از چه کسی فریادرسی خواهند؟ .

خدایا اگر مرا وارد دوزخ کنی این موجب خرسندی دشمن توست، و اگر مرا به بهشت وارد نمایی، این سبب
خوشحالی پیامبر توست، و من به خدا سوگند این را می دانم، که دلشادی پیامبرت نزد تو، از خرسندی
دشمنت محبوب تر است.

۴۳- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ، وَ خَشْيَةً مِنْكَ، وَ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ، وَ
إِيمَانًا بِكَ، وَ فَرَقًا مِنْكَ، وَ شَوْقًا إِلَيْكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، حَبِّ إِلَى لِقَاءِكَ وَ
أَحْبَبُ لِقَائِي، وَ اجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَ الْفَرَجَ وَ الْكَرَامَةَ .

اللَّهُمَّ أَلْحِقْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى، وَ اجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ، وَ خُذْ بِي سَبِيلَ
الصَّالِحِينَ، وَ أَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَ اخْتِمْ عَمَلِي
بِأَحْسَنِهِ، وَ اجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ أَعِنِّي عَلَى صَالِحِ مَا أُعْطَيْتَنِي، وَ
ثَبِّتْنِي يَا رَبِّ، وَ لَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

خدایا از تو درخواست می کنم که دلم را از محبت و خشیت، و باور به کتابت، و ایمان به وجودت، و هراس
از حضرتت، و اشتیاق به ذات پر کنی، ای دارای بزرگی و بزرگواری، دیدارت را محبوب من کن، و تو نیز مرا
محبوب خود بدار، و در لقاییت برای من آرامش و گشایش و کرامت قرار ده .

خدایا مرا به شایستگان از بندگان گذشته ات ملحق ساز، و از شایستگان از آنان که در آینده اند قرار ده، و
مرا بر راه شایستگان نگاهدار، و بر مخالفت با خواسته های نفسم یاری ده، آنگونه که شایستگان را بر
مخالفت با خواسته های نفسانی یاری می دهی، و کردارم را به نیکوترین وجه ختم کن، و پاداشم را در کارها

به برکت رحمت بهشت قرار ده، و بر شایسته های آنچه عطا کردی یاری ام نما، و ثابت قدم کن پروردگارا، و در ورطه بدیهایی که از آنها نجاتم دادی باز مگردان ای پروردگار جهانیان.

۴۴- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ، أَحْيِيْنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ، وَ تَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ، وَ ابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ، وَ أَبْرِئْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ الشَّكِّ وَ السُّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ .

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ، وَ فَهْمًا فِي حُكْمِكَ، وَ فِقْهًا فِي عِلْمِكَ، وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ وَرَعًا يَحْجُزْنِي عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ بَيِّضُ وَجْهِي بِنُورِكَ، وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ، وَ تَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .

خدایا ایمانی از تو درخواست می کنم که پایانی جز دیدار تو نداشته باشد، بر آن ایمان پایدارم بدار تا زنده ام می داری، و بر آن بمیران زمانی که مرا می میرانی، و بر آن برانگیز هنگامی که مرا برمی انگیزی، و دلم را از ریا و شک و شهرت خواهی در دینت پاک فرما تا عملم برای تو خالص باشد .

خدایا از تو می خواهم که به من عطا کنی : بصیرت در دینت، و فهم در فرمانت، و آگاهی در علمت، و دو نصیب از رحمتت، و پرهیزی که مرا از نافرمانی هایت بازدارد، و رخسارم را به فروغ نورت سپید کن، و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده، و در راه خود و بر آئین پیامبرت - درود خدا بر او و خاندانش - بمیران.

۴۵- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْفَشَلِ، وَ الْهَمِّ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ، وَ الْغَفْلَةِ وَ الْقَسْوَةِ [وَ الدَّلَّةِ] ، وَ الْمَسْكَنَةِ وَ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ، وَ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ، وَ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ، وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَ دِينِي وَ مَالِي، وَ عَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي، مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

خدایا به تو پناه می آورم از کسالت و سرافکندگی، و اندوه و ترس و بخل، و بی خبری و سنگدلی، و ناداری و تهیدستی و بیچارگی، و همه بلاها و زشتیهای آشکار و پنهان، و به تو پناه می آورم از نفسی که قانع نمی شود، و از شکمی که سیر نمی گردد، و از قلبی که فروتنی نمی کند، و دعایی که به اجابت نمی رسد، و کرداری که سود نمی بخشد، پروردگارا برای حفظ جان و دین و مال و آنچه که نصیب من فرموده ای، از شیطان رانده شده به تو پناه می آورم، همانا تو شنوا و دانایی.

۴۶- اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ، وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً، فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ، وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَاكِهِ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ أَلِيمٍ .
اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَ أَغْلِ [كَغَبِي وَ] ذِكْرِي، وَ ارْفَعْ دَرَجَتِي، وَ حُطَّ وَزْرِي، وَ لَا تَذَكِّرْنِي بِخَطِيئَتِي، وَ اجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَ ثَوَابَ مَنْطِقِي وَ ثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ، وَ أَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

خدایا به یقین جز تو احدی مرا پناه نمی دهد، و به جز تو پناهی نمی یابم، پس هستی ام را در دامن عذابت قرار نده، و به هلاکت و شکنجه دردناک بازگردان .

خدایا از من بپذیر و نامم را پراوازه کن، و درجه ام را بالا ببر، و بار گناهم را بریز، و مرا به اشتباهم یاد مکن، و پاداش به عبادت نشستن و گفتار و دعایم را خشنودی و بهشتت قرار ده، پروردگارا، همه آنچه را از تو خواستم به من عطا فرما، و از احسانت بر من بیفزا، من مشتاق توام، ای پروردگار جهانیان.

۴۷- اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ [الْعَفْوَ وَ أَمْرَتَنَا] أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا، وَ قَدْ ظَلَمْنَا ، فَأَعْفُ عَنَّا، فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا، وَ أَمْرَتَنَا أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ أُبُوبِنَا، وَ قَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي، وَ أَمْرَتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا، وَ نَحْنُ أَرْقَاؤُكَ فَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ، يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَ يَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَرَعْتُ، وَ بِكَ اسْتَعِثْتُ وَ لُذْتُ، لَا أَلُودُ بِسِوَاكَ، وَ لَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَأَغِثْنِي وَ فَرِّجْ عَنِّي، يَا مَنْ يَفْكُ الْأَسِيرَ [يَقْبَلُ الْيَسِيرَ] ، وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ، وَ اعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَ يَقِينًا [صَادِقًا] حَتَّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَ رَضِّنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا تو خود در قرآن فرمودی که از کسی که به ما ستم روا داشته گذشت کنیم، و ما بر خود ستم ورزیدیم، پس از ما درگذر که حضرتت به گذشت از ما، شایسته تر از ماست، و هم فرمان دادی که فقری را دست خالی از در خانه هایمان نرانیم، و من اکنون به گدایی از تو به درگاهت آمدم، پس مرا جز با روا شدن

حاجتم باز نگردان، و نیز به نیکی درباره بردگانمان امر فرمودی، و هم اینک ما بردگان تویم، پس ما را از آتش دوزخ برهان، ای پناهگاهم به وقت غم و اندوه، ای فریادرس به هنگام سختی، به تو پناه آوردم، و از تو فریادرسی خواستم، به تو پناه آوردم و جز به تو پناه نمی آورم، و جز از تو درخواست گشایش نمی کنم، پس به فریادم رس و گشایشی در کارم قرار ده، ای که اسیر را آزاد می کنی، و از گناه فراوان می گذری، از من عمل اندک را بپذیر، و از گناه بسیارم درگذر، همانا تو مهربان و آمرزنده ای.

خدایا ایمانی از تو می خواهم که دلم با آن همراه شود، و باور صادقانه ای که بدانم هرگز چیزی به من نمی رسد، مگر آنچه که تو برایم ثبت کردی، و مرا از زندگی به آنچه که نصیبم فرمودی خشنود بدار، ای مهربان ترین مهربانان.